

شاعران مجمع البیان

دکتر سید عطاءاله افتخاری
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج
صغری احسانی
مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۲

چکیده

شعر عربی به عنوان دیوان عرب طبیعی ترین و طبیعی ترین کلام انسان آگاه به زبان و الفاظ این قوم است و به همین جهت استعمال‌های گوناگون و فراوانی دارد. در علوم مختلف ادبی و دینی شعر عربی شاهد اثبات آراء عالمان بوده و تفسیر مجمع البیان نیز از این امکان استفاده فراوانی برده است. مقاله حاضر تلاشی است تا صاحبان شواهد شعری تفسیر مجمع البیان را معرفی نمایند. با این تحقیق زمینه‌ای فراهم می‌گردد تا بتوان به ملاک‌های انتخاب سروده شاعران خاص جهت اثبات آراء یا تقریب نظریات به اذهان دست یافت. در این بررسی همه ادبیات موجود در تفسیر مجمع البیان بررسی شد و پس از تعیین تعداد ادبیات منتسب به هر شاعر، برخی از آنان به ترتیب فراوانی استفاده از اشعار آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. آنچه ملاحظه می‌گردد این است که شاعران مورد استشهاد قریب به اتفاق اصل و نسب عربی خالص دارند و از آثار شاعران عرب زبانی که اصالت غیرعربی دارند گرچه اشعار آن‌ها فراوان هم باشد کمتر استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: شاهد، مجمع البیان، شاعر، بیت.

مقدمه

شعر به عنوان دیوان عرب در همه امور حیات این قوم نقش آفرین بوده است. در جنگ و صلح، مدح و ملامت، عشق و نفرت، و بالاخره خطابه و کتابت نقش این عنصر دلتوازم همواره برجسته و پررنگ است.

در کتاب‌های علمی اعم از صرف و نحو و بلاغت، تاریخ و تفسیر و لغت و دیگر علوم عقلی

و نقلی، شعر عربی ملازم و مساعد گویندگان و نویسندگان بوده است. تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی به عنوان یکی از معتبرترین تفاسیر اسلامی و شیعی نیز از اشعار شاعران مختلف استفاده فراوان برده و بیش از ۳۰۰۰ بیت شعر در جای جای این تفسیر مشاهده می‌شود.

این اشعار نوعاً جهت اثبات آرا و احکام در زمینه‌های گوناگون همچون معانی الفاظ، جایگاه لفظ در ترکیب، نکات بلاغی، اشارات تاریخی و... به کار گرفته شده است. در این میان از سروده‌های برخی شاعران بیشتر و از برخی کمتر استفاده شده که یافتن اسباب و دلایل این امر نیز می‌تواند قابل توجه باشد.

آنچه در این مقاله تحت عنوان شاعران مجمع‌البیان مورد نظر است شناخت شاعرانی است که در تفسیر مجمع‌البیان از ابیات آن‌ها به عنوان شاهد استفاده شده و علاوه بر آن میزان استفاده از اشعار هر شاعر به دست آمده است.

نتیجه این بررسی می‌تواند جهت تحقیقات بعدی راه‌گشا باشد و زمینه بسیار خوبی است تا علت توجه پژوهشگران قرون پیشین به شاعران خاص روشن گردد.

برای انجام این تحقیق کتاب تفسیر مجمع‌البیان و نیز معجم الشواهد تألیف نگارنده این سطور و نیز کتب معتبر قدیمی مورد استفاده قرار گرفته، بدیهی است تعداد در خور توجه ابیات موجود در مجمع‌البیان و نیز تعدد شاعران مورد استفاده در این تفسیر دشواری‌های بسیاری را در امر تهیه و تدوین این مقاله پیش روی می‌گذارد.

در خصوص شاعرانی که از شعر آن‌ها به عنوان شاهد استفاده می‌شود، پیش از این مطالعاتی صورت گرفته اما در خصوص شاعران مجمع‌البیان اثری بدست نیامد.

در این مقاله ابتدا اسامی شاعران و تعداد ابیات مذکور از هر یک آورده شده و سپس مختصری از زندگانی برخی از شاعران که بیش از دیگران مورد توجه بوده‌اند به نگارش در آمده است؛ آنگاه در یک بررسی اجمالی سعی شده است سوالاتی که گره‌گشای تحقیقات آینده خواهد بود مطرح گردد.

جدول فراوانی استفاده از اشعار شاعران در تفسیر مجمع‌البیان

ردیف	نام شاعر	تعداد
۱۲۴	الاعشى	۱
۷۳	امرؤ القیس	۲
۷۰	ذوالرمه	۳
۶۹	الفرزدق	۴

۵۶	الجرير	۵
۵۲	زهير بن ابى سلمى	۶
۵۱	النابعه الذيبانى	۷
۴۶	ليبيد بن ربيعه	۸
۴۱	حسان بن ثابت	۹
۳۵	ابوذؤيب الهذلى	۱۰
۳۰	الاخطل	۱۱
۲۷	العجاج	۱۲
۲۶	عدى بن زيد	۱۳
۲۶	الكميت	۱۴
۲۶	طرفه بن العبد	۱۵
۲۵	عنتره بن شداد	۱۶
۲۵	اميه بن ابى الصلت	۱۷
۲۴	الحطيئه	۱۸
۲۲	النابعه الجعدى	۱۹
۲۲	الراعى النميرى	۲۰
۱۹	كثير عزه	۲۱
۱۸	ابوالنجم العجلى	۲۲
۱۶	ابوطالب	۲۳
۱۴	تميم بن ابى (ابن مقبل)	۲۴
۱۳	امام على عليه السلام	۲۵
۱۲	كعب بن زهير	۲۶
۱۱	عمروين كلثوم، بشر بن ابى حازم، اوس بن حجر، ابوالأسود الدؤلى	۲۷
۱۰	النمر بن تولب، ابودؤاد الايادى	۲۸
۹	قيس بن الخطيم، الخنساء، حاتم طائى	۲۹
۸	ابو الزبير الطائى، الاحوص الانصارى، الاسود بن يعفر النهشلى، حميد بن ثور، مهلهل، يزيد بن مفرغ الحميرى، دريد بن الصمه، عبيد بن الابرص	۳۰

- ٣١ كعب بن مالك الانصاري، صخر الغي الهذلي، تابط شرا، المثقب بن العبدى ٧
- ٣٢ عامر بن طفيل، عمرو بن احمد الباهلي، عمرو بن معديكرب، مجنون ليلى، هدبه بن الخشم، عمرو بن شأس الأسدى، المخبل السعدى، ابوكبير الهذلي، عبدالرحمن بن حسان الانصاري، جميل بثينه، ابودهيل الجمحي، احبحة بن الجلاح
- ٣٣ عبدالله بن رقيات، نصيب بن رباح، رؤبة، الطرماع، الشنفرى، الحارث المخزومى، ليلى الأخيلية، المرارققعسى، يزيد بن مفرع الحميرى، خفاف بن تدبه
- ٣٤ الحارث بن حلزة، اعشى همدان، كعب بن سعد الغنوى، سلامة بن جندل، عبدالله بن الزبيرى، مضر بن ربيعى الاسدى، عمرو بن أبى أحمر، اعشى باهله، النجاشى الحارثى، عدى بن الرقاع، ذوالاصبع العدوانى، ضابىء بن الحارث البرجى، النميرى
- ٣٥ الربيع بن الضبع الفزارى، سابق بن عبدالله البربرى، بشار بن برد، مزاحم عقيلى، ساعدة الهذلي، علقمه بن عبده، ابن هرمة، عمرو بن سالم الخزاعى، العرجى، أشهب بن زميله، خدّاش بن زهير العامرى، عبدالله بن زبير الاسدى، مسكين الدارمى، عروة بن الورد، المتلمس الضبعى، الاغلب العجلي، ابونخيله اسعدى، عبدالله بن رواحه، الطفيل الغنوى، سويد بن كراع، عوفى القوافى، البعيث بن بشر، أبوحية النميرى، قعخب بن ام صاحب، يزيد بن ضبه، ابوالاسود
- ٣٦ صالح بن عبدالقدوس، القتال الكلابى، جميل، الطفيل، السمؤال، عبدالله بن معاويه، موسى بن جابر بن أرقم، ابومحمد الفقعسى، ابوقيس بن رفاعة، سعد بن مالك البكرى، ابراهيم بن هرمة، نهشل بن جرى، مالك بن خالد الهذلي، زياد الاعجم، ابومحجن الثقفى، قيس بن زهير، الأفوه الآودى، احمد بن يحيى، رزقاء اليمامة، هندبنت عتبه، ورقة بن نوفل، أنس بن زنيم، عمرو بن لجا، معلوط بن بدل التريمى، سالم بن داره الغطفانى، ثعلبة بن صعير المازنى، ابوالصخر الهذلي، عامر بن الأكوع، حلبة العذرى، عبيدالله بن مسعود الهذلي، حارثة بن بدر الغداني، جميل بن معمر، غيلان بن حريث، يزيد بن معاويه، متمم بن نويرة، المسيب بن علس، الوليد بن عقبه بن أبى معيط، سويد بن أبى كاهل، زيد الخيل، قيس ذريح الحصين بن حمام، عمرو بن امرىء القيس، الممزق العبدى، جعفر بن غلبه الحارث،

- ٢ العامر العدواني، عبدالمطلب، عبدالله ابن همام السلولى، زيد بن عمر نفيل،
الجميح الاسدى، المقرش الاكبر، أبوخراش الهذلى، بنت بهدل، المتلمس،
المقرش أصغر، ضمرة بن ضمرة النهشلى، راشد بن شهاب اليشكرى، عروة
بن حزام، الأضبظ بن قريع السعدى، توبه ابن الحمير، عامر بن جوين
الطائي، عمرو بن عروة، عمرو بن ملقط، عبد يغوث الحارثى، مالك بن اسماء
الفزائى، منظور بن مرثدا الاسدى، كثير بن عبدالرحمان
- ٣٧ ابو الرعاء الفسائى، ابوصدقه الزبيرى، محرز بن المكعب الضبى، يحيى بن
وائل الخارجى، عمرو بن الأيهم التعلبى، المنذر بن حسان، قيس بن جعدة،
تميم بن اسد خزاعى، عدى بن وداع الازدى، اوس، مرحب يهودى، فضل
بن عباس ابن عتبه بن ابي لهب، نافع بن لقيط الفقعسى، الأسود بن يعفر، ابن
عينيه، يزيد بن ضبه، ابن عبد ربه الاندلسى، معن بن اوس المزنى، ابو اسماء
بن الضريبة، الاعشى بن التعلبى، سماعة بن أشمول، غريقة بن مسافع
العيسى، عقبه المضرب، جزء بن ضرار، جنوب الهذلية، ضابى بن الحارث
التميمي، عتبان بن أصيله، زيادة بن زيد الغدرى، جذيمة الابرش، ذو جدن
الحميرى، يزيد بن ضبه الثقفى، كثير، العباس بن الاخنف، عائشة بنت سعد
بن ابي و قاص، سنان بن الفحل، على بن الجهم، عمرو بن قعاس المرادى،
عبيدالله الجحفى، عمرو بن الداخ، سعد بن مالك بن ضبيعه، الحارث بن
عباد، مالك بن الحارث، حارث بن ضرار النهشلى، ضرار بن نهشل،
ابوجلده الشيكرى، المفضل الضبى، العجيز السلولى، فراص بن عتبه الأزدى،
البرتى، حضرت آدم، نضلة السلمى، لييد بن ربيعه العامرى، عبدالمناف
الهذلى، حجاج بن يوسف، المقنع الكندى، منظور الوبرى، عبدالمناف بن ربع
الهذلى، الحارث بن دوس الايادى، عبد بنى الحسحاس، الهذلى، اللحيانى،
حطايط اليربوعى، مالك بن نويرة، سارية الديلى، ابواناس برادر ساريه، هند
بن معبد، سيرة بن عمرو الاسدى، بجير بن زهير المزنى، خارجه بن الفليح
المللى، مجنون بن الحرماز، يزيد بن الحكم الثقفى، ايمن بن خريم الاسدى،
قيس بن سعد، ابو منصور الثعالبى، ابوالفضة، عطارد بن قران، المتنبى،
ابوالطمحان القينى، ابوتمام، حسين بن على، محمد بن بشير الرياشى صفي
بنت عبدالمطلب، محمد بن حازم الباهلى، العرندس، التوأم اليشكرى، شقيق
بن جزء الباهلى، شمعة بن الاخضر، النحيف الخدرى، الربيع بن زياد،
عيسى بن عمر، الحارث بن وعلة الجرمى، وعلة الجرمى، زيادة بن زياد

- ١ العدوى، الأبيرد اليربوعى، عكرشه ابوالشغب، ابى أحمر، المشؤوم، الأقيشر
 الأسدى، الخرقن بنت بدر بن هقان خواهر طرفه، مضر بن ربعى، ابراهيم
 بن متمم بن نويره، ابن عنقاء الفزارى، عبدالرحمن العتبى، عمران السدوسى،
 الاشعرالرقبان الأسدى، العجاج بن رؤبه، مروان بن سليمان، كنزه ام شملة
 بن برد المنقرى، المعقر بن حمار البارقى، مرادس بن أبى عامر، راشد بن
 عبدربه، زيد الخيل الطايى، ابوالجون، نصيب الأسود، الزبرقان بن يزيد،
 عبدالله بن أراكه الثقفى، المثنى الطهوى، زيد بن عمرو القرشى، نبيه بن
 العجاج سعيد بن زيد بن عمرو بن ثقل، عبدالملك الحارثى، خالد بن
 علقمه، ابن بجره الطائى، عبدالرحمن بن جمانه المحاربى، الدعجا بنت
 وهب، الاعشى قيس بن ثعلبه، خرقة بن نباته، ابو شبل عصم بن وهب،
 حميد الأرقط، الاسدى، نهشل بن حرى، عبدالله بن المعتز، العتبى، جوية بن
 عابد، سليمان بن ابى دياكل، البردحت الضبى، عمرو بن عبدود، علقمة بن
 قرط، عمارة بن عقيل، عبدالله بن عمرو بن مخزوم، ابويعبده الكلابى،
 ابوالنجم العجيلى، الغدافر، المبلد بن حرمله، عروة بن أذنيه، عبدالمطلب بن
 هشام، خالد بن وليد، طليحه بن خويلد الاسدى، حارث بن عباد البكرى،
 عبيد بن الابرص، نهار ابن اخت مسيلمه، ذوالكلب الهذلى، عمرو ذوالكلب
 الهذلى، امية الهذلى، لاقرع بن المعاذ، الحارث بن عيار، النوار بنت جل،
 حصرمى بن عامر، المتنخل، عبدالرحمان بن زيد، أوفى بن مطر، ابوتمام
 الطائى، منسوب به امام حسين (ع)، حميدة بنت النعمان بن بشير، عروة بن
 أذية، الربيع أبى الحقيق، سعية بن غريص، ثروان الملكى، عبدالله بن ايوب
 التميمى، عوف بن محلم الخزاعى، عبدالله بن عنمة، أبودجانه سماك، معبد
 الخزاعى، عبدالعزيز بن زراره الكلابى، الحارثى، مسافع بن عبد مناف،
 بشامة بن عمرو بن هلال، ابن الدمينه، بلعاء بن قيس، مسافع الليثى، عمير بن
 قيس بن جذل الطعان، الحسين بن السعد، شمر بن الحارث، عمرو بن يربوع
 بن حنظله، بجير بن عبدالله بن عامر، معاويه بن البكر، حميد بن حريث،
 هشام الرقاشى، عضام بن عبيدة الزمانى، عمرو بن براقه، حريث الطائى،
 ابوساسان، مالك اشتر، المقشعر بن جديع، سحيم بن وثيل، عبدالله بن
 عبدالاعلى، ابن مهديه، باعث بن صريم اليشكرى، ابن عوف اليشكرى،
 وضاح اليمن، مسعدة بن البخترى، محمود الوراق، طريف العنبرى، ابن
 الأخرز، ابن الرومى، على بن العباس التوبختى، رشيد بن رميض، الحطم

- ١ القيسي، عمرة الخثعميه، البريق الهذلي، الموج بن زمان، برج بن مسهر، حاجز بن عوف، عبدالله بن الحمير، المتوكل الليثي، الاعمى الشريف، حكيم بن حبله، هوبر الحارثي، الحارث بن امية، ابن القيس الرقيات، المعلى بن حمال العبدى، خالد بن نوفل الكلابي، عمران بن حطان السدوسي، قريط بن انيف، عمرو الزبيدي، الارزق بن طرفه، خزر بن لوزان السدوسي، ابن مزاحم التمالي، امام صادق، سويد بن عامر المصطلقى، عمرو الجنبى، الأحول الكندى، محمد بن ادريس الشافعى، ابوبكر الشبلى، أخوص بن عبدالله الرياحى، كعب بن جعيل، أبوالغول الطهوى، خزيمه القضاعى، نفيل بن حبيب، الشماخ بن ضرار، فروة بن مسيك المرادى، خطام المجاشعى، بشامة بن حزن النشهللى، على بن بلال بن سليم، عمرو بن عدى اللخمي، ام الهيثم، سمر الحنفي، عبدالشارق الجهني، يزيد بن الصعق، فرعان بن اعرف التميمي، معاذ ليلي، ام الورد العجلانيه، ابونواس، عماره بن عقيل، سماك بن عروة العامري، الحارث بن سمي الهمداني، خالد بن زهير الهذلي، شبيب بن البرصاء، خالد بن زهير ابن اخت ابى ذؤيب، المرقش، عبدالله بن كريز، عارق الطائي، الشمردل اليربوعى، ابوعمرو بن العلاء، حاضنة دايه الاحتف، خوات بن جبير، ابن مياده، طريح بن اسماعيل الثقفي، عميرة بن جعل التغلبي، حمران البرتي، قيس بن الملوّح، الحارث بن خالد، زهير بن جناب الكلبي، سحيم بن وثيل اليربوعى، عمرو بن عدى، سمنون، عامرالمجنون، الأسعر الجعفي، الأشعث بن هلال، عذافر الكندى، ابو قيس صرمة أبى أنس، زراره بن سعد، عمرو بن قميئه، سليمان بن قتبه، مصعب بن الزبير، المنخل البشكري، سحيم، الأسعر الجحفي، سهيم عبد بنى الحسحاس، يعلى الاحول الازدي، عبدالله بن عباس، المشمرج بن عمرو الحميري، عمرو بن جابر الحنفي، قيس بن جررة الطائي، خنظلة بن أبى عفراء، وهب بن عبد بن قصى بن كلاب، المتنخل الهذلي، هميان بن قحافه، أيمن بن خريم بن فاتك الاسدى، الحادرة ابوقيس صيفى بن عامر بن الأسلت، سليمان بن زيد العدوى، سويدالبشكري، قراد بن حنش الصاردى، ذوالخرق الطهوى، مقيس بن صبابه، الخطيم التميمي، امرأة بن بنى قشير، بيهس الغدرى، سعدى بنت الشمردل السعدى، عباس بن عبدالمطلب، لقيط بن يعمر، محمد ابن بشير، قيس بن الحدّاديه، عمرو بن حممه السدوسى، الرجال بن هند الاسدى، العجيز بن عبدالله السلولى، غيلان بن سلمة، الوليد بن يزيد، مساور بن هند،

- ۱) المرزد العطفانی، کعب بن جعل، منذر بن درهم، ابوالاخزر الحمانی، معقر بن حمار البارقی، حمید الأمجی، جناک اخو بنی بکر بن کلاب، ابومسکین، میسون بنت یحدل، عمرة بنت درید بن الصمة، عوف بن الأحوص، عبدالله بن همام، ذی الخرق، عمارة بن طارق، خلف الاحمر، الرع بن معاذ القشیری، مرزد بن ضرار، کرمة بنت ضلع

۱- الاعشى

میمون بن قیس بن جندل از بنی قیس، کنیه او ابوبصیر و به اعشی بکر و اعشی کبیر معروف است.

او که یکی از اصحاب معلقات ده گانه است، به دیار پادشاهان و امیران از عرب و فارس راه می یافت؛ شعر می گفت و صله می گرفت. او عمری طولانی داشت، اسلام را درک کرد اما مسلمان نشد. وی کثیرالشعر است و در همه ی فنون شعر گفته است و «اولین شاعری است که در وصف خمر شعر سروده است». (الصولی، اشعار الاولاد الخلفاء، ۱۹۸)

الاعشى بسیار شراب می نوشید. «از او پرسیدند بهترین خوشی دنیا چیست؟ گفت: شرابی ناب که دخترکی ساقی آن باشد». (الجاحظ، البیان و التبيين، ۳۳).

۲- امرؤ القیس

«او امرؤ القیس بن حجر بن الحارث یا بن حجر بن عمرو بن معاویه بن الحارث یا امرؤ القیس بن السمط بن امری القیس بن عمرو بن معاویه بن ثور است.» (الاصفهانی ابوالفرج، الاغانی، ۵۷۶۰) است.

مادر او فاطمه خواهر کلیب و مهلهل تغلبی است. پدر او حجر در جنگ با بنی اسد کشته شد. چون خبر مرگ پدر به امرؤ القیس رسید گفت: که زن و شراب را بر خود حرام کردم تا وقتی که ۱۰۰ تن از بنی اسد را بکشم.

«از او فرزند پسر به دنیا نمی آمد و در عین حال بسیار متعصب بود و فرزندان دختر خود را به قتل می رسانید» (ابن الجوزی، اخبار النساء، ۱۸۱)

«او بر همه شاعران عرب مقدم است.» (الوزیر المغربي، ادب الخواص، ۱۶۹)

از حضرت رسول اکرم نقل شده است که فرمود: «او رهبر شاعران و پرچم دار آنهاست.» (ابن عبد ربه الاندلسی، العقد الفريد، ۳۹۵۷)

۳- ذوالرمه

ابوالحارث غیلان بن عقبه العدوی معروف به ذوالرمه در یمامه متولد شد و در همان جا بزرگ شد؛ سپس مسافرت‌های زیادی به عراق به خصوص بصره و کوفه داشت. به دختری به نام میه دل باخت و در اشعارش گاه با نام میه و گاه خرقاء به او اشاره داشت. ذوالرمه در جدل میان جریر و فرزددق، فرزددق را برعلیه جریر یاری کرد و در سال ۱۱۷ هجری وفات یافت. «او از طبقه دوم شاعران اسلامی است». (ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ۵۱۴)

«ذوالرمه یکی از عشاق معروف عرب به‌شمار می‌رود». (عبدالرحیم العباسی، معاهد التنصیب علی شواهد التلخیص، ۱۸۱۵)

حضرت رسول اکرم به او فرمود: «انت سید اهل الوبر». (ابن خلکان، وفيات العیان و ابناء اهل الزمان، ۲۶۵۸)

۴- الفرزدق

ابوفراس غمّام بن غالب بن صعصعه ملقب به فرزددق در سال ۶۴۱ میلادی در بصره متولد شد. پدر او مردی آبرومند و بخشنده بود و اجداد وی از اشراف قبیله تمیم بودند. او در چنین خانواده‌ای اما در میان بادیه‌نشینان بزرگ شد. فرزددق زبانی تیز و نیش‌دار دارد و بنی امیه نتوانستند به او اعتماد کنند. در زمان زیاد بن ابیه تهدید شد و لذا از بصره آواره گردید و به مدینه، مکه، یمن، بحرین، فلسطین، دمشق و رصافه مهاجرت می‌کرد. او بسیاری را مدح و هجو کرد. او همچنین حجاج را هجو کرد اما بعدها در اثر ترس به عذرخواهی پرداخت و به حق بنی امیه اعتراف کرد.

اما فرزددق همان کسی است که در مقابل خلیفه اموی (هشام) حضرت امام زین العابدین را با اشعاری معرفی کرد.

«هذا ابن خیر عبدا لله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم».

(البغدادی عبدالقادر، خزانه الادب، ۹۷۰۴)

و هم او بود که «حضرت امام حسین بن علی را در راه کوفه دید و به او گفت: دل‌های مردم کوفه با توست و شمشیر آن‌ها با معاویه». (النویری، نهیة الارب، ۱۵۷۷)

۵- جریر

ابوخزرة جریر بن عطیه بن حذیفه از شعرای اسلامی طبقه اول (ابن سلام الجمحی، طبقات فحول الشعراء، ۲۲۳) در یمامه متولد شد (حدود سال ۳۳ هجری) پدر او مردی است بخیل، گمنام و کم ارزش و به همین جهت جریر با فقر و خشونت در میان قبیله خویش بزرگ شد و گوسفندان

پدرش را به چرا می برد؛ اما در عین حال زبانی فصیح و طبعی شاعرانه داشت. بسیاری از قبیله خود و مخالفان قبیله را هجو کرد. «او هشام بن عبدالملک را مدح نمود» (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۵۷) همچنین معاویه و افراد دیگری از بنی امیه را مدح کرد... و قوی ترین هجو در اسلام از آن اوست (ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ۶۲۵)

۵- زهیر

زهیر بن ابی سلمی، شاعری از قبیله مضر، حدود سال ۵۳۰ میلادی در نجد متولد شد و حدوداً یک سال پیش از مبعث پیامبر وفات یافت (المرزوقی، الازمنه و الامکنه، ۱۲۶۳) او همواره دعوت به خیر و صلاح می کرد و طرفدار حق بود. او مرد عقل و میزان است و از جنگ و درگیری گریزان می باشد. «زهیر یکی از سه شاعر متقدمی است که قصائد بزرگ آن‌ها الحولیات نامیده می شود». (الجاحظ، البیان و التبین، ۲۸۸) و «یکی از چهار نفری است که در شاعرترین عرب بودن آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد... او بیش از همه می تواند معانی بسیار را در الفاظی اندک جمع نماید و از همه بهتر مدح می کند و در حکمت شعر می گوید». (الثعالبی ابوالمنصور، لباب الآداب، ۱۸۰)

۷- النابغه الذببانی

ابوامامه زیاد بن معاویه ذببانی شاعری است که بیش از توجه به قبیله و جنگ‌ها و قهرمانان آن به دربار پادشاهان پیوست. ابتدا به پادشاهان حیره ملحق شد و از عمروبن هند و النعمان هدایای زیادی گرفت؛ آنگاه به دلیل غضب پادشاه فرار کرد و به دربار غسانیان رفت و پس از مدتی با سرودن اعتذاریه به دربار دوست خویش نعمان بازگشت. «او در اعتذار بسیار زیبا شعر می سراید بطوریکه گفته اند هرگاه نابغه بترسد، شاعرترین شاعران است» (ابن حمدون، التذکره الحمدونیه، ۲۳۴۲) «اینکه نابغه ملوک را مدح می کرد و صلح می گرفت و در مقابل نعمان، پادشاه عراق سر فرود آورد موجب سقوط منزلت او شد» (القیروانی ابن رشیق، العمده، ۱۴۱)

۸- لبید بن ربیعہ العامری

لبید بن ربیعہ بن مالک عامری و کنیه او ابو عقیل است او از شاعران و پهلوانان عرب جاهلی است و اسلام را درک کرد و همراه هیأتی از بنی کلاب خدمت رسول اکرم رسیدند و مسلمان شده و به قبیله خویش بازگشتند. سپس به کوفه رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن بود. گویند «در اسلام جز یک بیت شعر نگفت و... و هنگامی که عمر از او خواست شعر بخواند، سوره بقره را خواند». (ابن قتیبه، الشعر و الشعراء، ۲۸۲)

«سال وفات او را همزمان با ورود معاویه به کوفه جهت صلح با امام حسن ذکر کرده‌اند».
(ابن ابی‌الدنیا، الاشراف فی منازل الاشراف، ۷)
«او اعتقاد راسخی به خدا دارد و گفته است:

الاکل شیء ما خلا الله باطل
و کل نعیم لا محاله زائل»
(التعالی ابومنصور، الاعجاز و الایجاز، ۱۵۱)

۹- حسان بن ثابت

ابوالولید حسان بن ثابت در خانه‌ای آبرومند در مدینه متولد شد. آنگاه غسانیان را مدح کرد و سپس به پادشاهان حیره پیوست و آن‌ها را ستود آنگاه مسلمان شد و با زبان خویش دین را یاری کرد. اکثر اشعار حسان در هجاء و بقیه در مدح و وصف مجالس لهو و شراب است. حسان به فرمان حضرت رسول در رثای جعفر طیار، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه شعر گفته است. (المبرد، التغازی و المراثی، ۴۰۶)
او شاعری ترسو و از کم‌ترین درگیری با پادشاهان هراسناک بود. (ابن حمدون، التذکره الحمدونیه، ۱۳۷۷)

۱۰- ابوذؤیب الهذلی

ابوذؤیب خویلد بن خالد هذلی از شاعران مخضرم است. او مسلمان شد و در سال ۲۶ هجری همراه با عبدالله بن سعد در جنگ آفریقا شرکت جست، سپس با ابن زبیر به مصر بازگشت. پنج فرزند او به بیماری طاعون مبتلا شده و درگذشتند و او در وصف فرزندانش مرثیه‌ای سرود که مشهور است.

«حسان بن ثابت او را در میان شاعران عصر خود از همه برتر می‌داند». (الصفدی صلاح‌الدین، الوافی بالوفیات، ۱۰۸۶۱)
«گویند هذیل از همه مردم شاعرترند و بهترین شاعر آن‌ها ابوذؤیب است». (التعالی ابومنصور، الاعجاز و الایجاز، ۱۵۵)

۱۱- الاخل

ابومالک، غیاث بن غوث بن الصلت ملقب به الاخل حدود ۶۴۰ میلادی در حیره متولد شد. پدرش از بزرگان قبیله خود بود. او در کودکی مادر خود را از دست داد و به دلیل سنگدلی‌های نامادری در روح خود نوعی خشونت را احساس کرد. از فرزدق نقل شده است که اخل از برترین شاعران است. (ابن ابی‌الدنیا، الاشراف فی منازل الاشراف، ۲۰۰)

از جریر نقل شده است «اخطل اشعاری در دل داشت که تا زمان مرگ آن‌ها را اظهار نکرد» (ابوعلی القالی، الأمالی، ۱۱۵۳) گفته‌اند که «از فضل جریر این است که با وجود دشمنی، برخورد و هجو و مفاخره میان او و اخطل، اخطل را در شعر بر خود ترجیح داده است». (المعافی بن زکریا، الجلیس الصالح الکافی، ۱۶۰۷)

۱۲- العجاج

ابوالشعثاء عبدالله بن رؤبه بن لیبید از قبیله بنی تمیم در جاهلیت متولد شد و در آن دوره شعر گفت و سپس اسلام را درک کرد و مسلمان شد و تا دوره ولید بن عبدالملک زیست. العجاج اولین کسی است که پرچم رجز را برافراشت و آن را همچون قصیده بلند و دارای ترکیب ساخت. «عجاج بر عبدالملک وارد شد. عبدالملک گفت شنیده‌ام که نمی‌توانی خوب هجو بسرای. عجاج گفت آن‌که بتواند ساختمان بسازد به خوبی قادر است خیمه‌ای را خراب کند». (الحصری القیروانی، زهر الآداب و ثمر الالباب، ۱۳۱۰)

«عجاج را عجاج لقب داده‌اند به دلیل این بیت:

حتى يعجّ ثخنًا من عجاجا
یودی المودی و ینجو من نجا»

(ابن درید، الاشتقاق، ۴۶۵)

۱۳- عدی بن زید

عدی بن زید بن حمّاد بن ایوب از بنی تمیم در خانواده‌ای بزرگ در حیره متولد شد. پدرش در کاخ پادشاهان ایرانی تربیت شد و مدتی هم حکومت حیره را بر عهده داشت. عدی به روش اشراف زادگان ایرانی تربیت شد و مدتی در دربار پادشاهان ایرانی در مدائن زندگی کرد. او بر زبان‌های عربی و فارسی تسلط کامل داشت.

«عدی بن زید با روشی زیرکانه نعمان را به [کسری] معرفی کرد و نعمان به حکومت عراق دست یافت اما در اثر دسیسه اطرافیان عدی به زندان افتاد و در آنجا به قتل رسید». (نشوان الحمیری، الحورالعین، ۱۲۰)

۱۴- الکمیت

الکمیت بن زید الاسدی در سال ۶۰ هجری در کوفه متولد شد و زندگی خود را در همین شهر در جوار علم و فرهنگ سپری کرد. او دارای مذهب شیعه زیدی بود و از معتزله حمایت می‌کرد. بیشترین اشعار او درباره بنی‌هاشم و آل علی (ع) است. از ابوعمکره نقل شده است که «اگر شعر کمیت نبود لغت ترجمانی نداشت». (البغدادی عبدالقادر، خزانه الادب، ۲۶۶)

از قول حضرت رسول اکرم نقل شده است که در مورد کمیت فرمود: «خدا تو را جزای خیر دهد؛ و از او تمجید کرد». (عبدالرحیم العباسی، معاهدالتنصیص، ۱۴۹۵)

۱۵- طرفه بن العبد

طرفه بن العبد بن سفیان شاعر بحرینی که در کودکی پدر را از دست داد و در جوانی شاعری توانا شد به طوری که یکی از شاعران معلقات سبع بشمار رفته است. بسیار هجو می‌کرد و در هجاء بی پروا بود و به همین جهت در جوانی در حالی که بیش از بیست و چند سال از عمرش نمی‌گذشت کشته شد. «گرچه امیر بحرین که مأمور قتل او بود وی را از دستور کشته شدنش آگاه ساخت و از او خواست که بگریزد اما طرفه زیر بار نرفت و جان به جلا داد سپرد». (قرشی ابوزید، جمهره اشعارالعرب، ۱۱۹)

«از اخلط پرسیدند کدام شاعر است که چون مدح کند رفعت بخشد و چون نکوهش کند فرو کشد. گفت: الاعشی سپس طرفه». (ابوالفرج الاصفهانی، الاغانی، ۵۳۹۰)

از جریر نقل شده که «شاعرترین عرب طرفه بن العبد است». (ابوعلی القالی، الامالی، ۱۱۵۲)

(دومین شاعری که قصیده‌اش به کعبه آویزان شد طرفه بود) (البغدادی عبدالقادر، خزانه الادب، ۲۳۱)

۱۶- عنتره

عنتره بن عمرو بن شداد عبسی یکی از پهلوانان و شاعران معروف عرب و یکی از اصحاب معلقات هفت‌گانه است. مادر او کنیز بود و بر اساس رسم اعراب پدر فرزندی او را اعلام نمی‌کرد و گاه که قهرمانی و شجاعتی از او سر می‌زد پدرش به طور موقت او را به فرزندی می‌پذیرفت.

«او را غربه می‌گویند به دلیل این که مادرش سیاه است». (ابوعبیده، الدیاج، ۳۵)

«شاعرترین قهرمانان عرب سه تن هستند عنتره بن شداد و ...». (ابراهیم البیهقی، المحاسن والمساوی، ۹۱۱)

«او را عنتره الفوارس گویند به دلیل درگیری‌های بسیار با پهلوانان عرب و حمله به محله‌های آن‌ها». (النشابی الاربلی، المذاکره فی القاب الشعراء، ۲۹)

۱۷- امیه بن ابی الصلت

امیه بن ابی الصلت بن ابی ربیع از قبیله عیلان است. او برخی کتاب‌های قدیم خصوصاً تورات را مطالعه کرد و خود نیز فطرتاً علاقمند به دین بود. در سفرهای تجاری خود به شام با برخی از اصحاب دین ملاقات کرد و در نتیجه به زهد و عبادت پرداخت. شعر او از نظر الفاظ خاصی که در میان شاعران عرب مرسوم نبوده است متفاوت است.

«برخی علما می‌گویند اگر حضرت رسول اکرم مبعوث نمی‌شد بنی ثقیل ادعا می‌کردند امیه پیامبر است». (ابن درید، الاشتقاق، ۵۳۹)

«در حالی که از قول پیامبر اکرم نقل شده است کاد امیه یسلم». (ابن جوزی، المدهش، ۱۰۰)

۱۸- الحطیئه

جرول بن اوس بن مالک عبسی، شاعر مخضرم در خانواده ای گمنام متولد شد. از همه انسان‌ها ناخوشنود بود و حتی خود و پدر و مادرش را هجو کرد. زبان او در مردم تیزتر از خنجر بود و با مدح و هجو و با هر روشی و هر مذهب کلامی کسب روزی می‌کرد تا این که در سال ۵۹ هجری درگذشت «لقب او حطیئه است به دلیل کوتاهی قد و نزدیکی او به زمین. بعد از وفات حضرت رسول اکرم مسلمان شد». (ابن قتیبه الدینوری، الشعر و الشعراء، ۳۸۸)

«او از فحول شعرا است و از فصیح‌ترین آن‌ها اما انسان شروری بود و پیوسته نسبت خود را میان قبایل مختلف تغییر می‌داد». (ابن شاکر الکتبی، فوات الوفيات، ۴۹۲)

۱۹- النابغه الجعدی

ابولیلی عبدالله بن قیس بن جعدہ بخشی از عمر خود را در جاهلیت گذراند و سپس مسلمان شد و مدت زیادی در دوران اسلام زندگی کرد. چندی در مدینه اقامت داشت و در زمان عثمان به بادیه بازگشت. در جنگ صفین با دست و زبان حضرت علی (ع) را حمایت کرد.

«نابغه جعدی [پس از این که در جاهلیت شعر می‌گفت] مدت سی سال سخن نگفت و آنگاه زبان به شعر گشود و در سن یکصد و بیست سالگی در اصفهان درگذشت» (المعافی بن زکریا، الجلیس الصالح، ۲۳۴۴) «او را در شعر خمار بواف، و مطرف بآلاف گفته‌اند یعنی شعر او نامتناسب و برخی خوب و برخی کم ارزش است». (البطیوسی، الحلل فی اصلاح الخلل، ۳۸۴)

۲۰- الراعی النمیری

عبید بن حصین بن معاویه النمیری ملقب به الراعی از قبیله مضر و از فحول شاعران محدث است. علت لقب دادن او به الراعی این است که بسیار وصف شتر کرده و برخی گفته‌اند او هم خود چوپان شتران بوده است. شعر راعی در تصویر زندگی چوپانان و وصف شتر و سایر حیوانات معروف است.

برخی تأکید کرده‌اند «او چوپان نبوده بلکه به خوبی شتر را وصف کرده و به این دلیل الراعی نام گرفته است» (ابن الجوالیقی، شرح ادب الکاتب، ۲۴۸). «او البته عبدالملک مروان را مدح کرده است». (ابن المبارک، منتهی الطلب من اشعار العرب، ۱۳۰۹)

۲۱- کثیر عزه

کثیر بن عبدالرحمن بن الاسود از قبیله خزاعه و از اهالی مدینه است اما بیشتر عمر خود را در مصر ساکن بوده است در سال ۴۰ هجری متولد و در سال ۱۰۵ هجری وفات یافت. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی عمویش زندگی کرد. عمو او را به چوپانی گله شتر خویش گمارد تا هم از نادانی جوانی او و هم دوستی با افراد ناباب جلوگیری کند. شهرت او به علت عشق وی به زنی به نام عزه است و همچنین عشق عزه به وی. «او از شیعیان غالی بود که اعتقاد دارند انسان پس از مرگ به دنیا باز می‌گردد و یکی از عشاق معروف عرب است». (الیافی، مرآة الجنان، ۴۴۷)

۲۲- ابوالنجم العجلی

الفضل بن قدامه العجلی از قبیله بنی بکر از بزرگترین شاعران رجزسرا است. نبوغ او در عهد اموی ظاهر شد و در مجالس عبدالملک بن مروان و هشام شرکت می‌جست. وفات او را در سال ۱۳۰ هجری گفته‌اند «او در طبقه عجاج است و برخی او را از عجاج برتر دانسته‌اند». (صلاح‌الدین الصفدی، الوافی بالوفیات، ۱۸۲۵۴)

۲۳- ابوطالب

عبدالمناف بن عبدالمطلب بن هاشم پدر حضرت علی علیه السلام در سال ۸۵ قبل از هجرت در مکه متولد شد و سه سال پیش از هجرت رحلت فرمود. او از قهرمانان، و خطیبان و عقلای قریش و از روسای این قبیله بود. حضرت رسول اکرم در خانه او بزرگ شد و پس از بعثت پیامبر تا زنده بود با تمام توان از آن حضرت حمایت کرد؛ گفته‌اند «ابوطالب بزرگ‌ترین شاعر قریش است» (ابوالعلا المعری، رساله الصاهل و الشاحج، ۱۱۵). و خطبه عقد حضرت رسول اکرم و حضرت خدیجه را ابوطالب (ع) خواند. (المبرد، الکامل، ۱۷۸۹)

۲۴- تمیم بن اُبی (ابن مقیل)

تمیم بن اُبی از بنی عجلان بن عبدالله و کنیه‌اش ابوکعب و از شاعران مختصرم است «او برای اهل جاهلیت گریه می‌کرد و یکصد و بیست سال عمر کرد» (البغدادی، خزانه الادب، ۴۳۹) و در رثای عثمان شعر سرود.

نتیجه

با بررسی این مقاله روشن می‌شود که دین و مذهب، دوران زندگی، سن و تجربه، محل زندگی و حتی میزان کثرت اشعار در ارتباط شعر یک شاعر به عنوان شاهد ملاک عمل صاحب

مجمع‌البیان نبوده است از سوی دیگر مشاهده می‌شود قریب به اتفاق شاعران خصوصاً شعریایی که شعر آنان بیشتر مورد استشهاده قرار گرفته است اصالت عربی دارند. بنابراین شاید اصالت عربی داشتن از پررنگ‌ترین ملاک‌های انتخاب شاعر در تفسیر مجمع‌البیان به‌شمار آید.

منابع

- ۱- ابن اَبی ادنیا، عبدالله بن محمد بن عبید بن سفیان، الاشراف فی منازل الأشراف، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۲- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی بن عبدالله الظاهری، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۳- ابن الجوالیقی، موهوب بن احمد بن محمد بن الخضر بن الحسن، ابومنصور، شرح ادب الکاتب، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۴- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، ابوالفرج، المدهش، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۵- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد، أخبار النساء، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۶- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی بن حمدون، التذکره الحمدونیه، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۷- ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم بن اَبی بکر، ابوالعباس، وفيات الاعیان، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۸- ابن درید، محمد بن الحسن، الاشتقاق، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۹- ابن رشیق القبروانی، الحسن العمده فی محاسن الشعر و آدابه، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۰- ابن سلام الجمحی، محمد بن سلام بن عبیدالله ابو عبدالله، طبقات فحول الشعراء، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۱- ابن شاکر الکتبی، محمد بن شاکر بن احمد بن عبد الرحمن، فوات الوفيات، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۲- ابن عدربه الاندلسی، احمد بن محمد، دیوان، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۳- ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم، الشعر و الشعراء، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۴- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.
- ۱۵- ابوزید القرشی، محمد بن اَبی الخطاب، جمهره أشعارالعرب فی الجاهلیه و الاسلام، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ۲۰۰۳ میلادی.

- ١٦- ابو عبیده، معمر بن المثنى التیمی، الدیاج، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ١٧- ابوالعلاء المعری، احمد بن عبدالله، رساله الصاهل والشاحج، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ١٨- ابوالفرج الاصفهانی، علی بن الحسین بن محمد بن احمد بن الهیثم، الأغانی، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ١٩- البطلیوسی، عبدالله بن محمد بن السید، ابومحمد، الحلل فی اصلاح الخلل من کتاب الجمل، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٠- البغدادی، عبدالقادر بن عمر، خزانه الادب لب لباب لسان العرب، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢١، البیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن والمساوی، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٢- الثعالی، عبدالملک بن محمد، لباب الأداب، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٣- الثعالی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ابومنصور، الاعجاز و الإیجاز، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٤- الجاحظ، عمر بن بحر، بیان والتبیین، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٥- عبدالرحیم العباسی، بن عبدالرحمن احمد، ابوالفتح، معاهد التنصیص علی شواهد التلخیص، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٦- القالی، اسماعیل بن القاسم بن عیذون بن هارون بن عیسی، ابوعلی، الأمالی، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٧- المبرد، محمد بن یزید بن عبدالاکبر الثمالی، التغازی والمراثی، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٨- المرزبان، محمد بن عمران بن موسی، ابوعبدالله، معجم الشعراء، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٢٩- المعافی، بن زکریا بن یحیی الجریری، الجلیس الصالح الکافی والأنیس الناصح الشافی، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٣٠- النشابی الازبلی، ابوالمجد اسعد بن ابراهیم بن الحسن، المذاکره فی القاب الشعراء، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٣١- نشوان الحمیری، بن سعید، ابوسعید، الحور العین، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٣٢- الوزیر المغربی، الحسین بن علی الحسین، ابوالقاسم، ادب الخواص، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.
- ٣٣- الیافعی، عبدالله بن الاسعد بن علی، مرآة الجنان والعبره لیقظان، الموسوعه الشعریه، المجمع الثقافی، ابوظبی، ویرایش سوم ٢٠٠٣ میلادی.